



دستیاری های پیش از

پروژه نگاه علمی و مطالعات فرهنگی
در حیطه علوم انسانی



از هفته دوم دی ماه شروع می شود. کارگردان و صدابردار و مونتور و هرکس دست‌اندرکار سینماست غیث می‌رند. جنب و جوش و شور و شوق نه، دوندگی، تعجیل، دست‌چاکی همراه با نگرانی و عصیانیت که می‌تواند مقدمه هر چیزی باشد غیر از خلق یک اثر هنری بر پشتوانه تفکر.

امسال هم مثل هر سال همان سناریو با هنرپیشه‌های متفاوت جلوی دوربین می‌رود. فیلمبرداری همزمان با تدوین، همزمان با صدابرداری، بعد دوباره فیلمبرداری صحنه‌هایی که جا مانده بود و نداخل غیرمنطقی مراحل گوناگون با هم. کارگردان هم در شهرستان مشغول فیلمبرداری است و هم به تهران سر می‌زند. بخشی از فیلمش هم در حال مونتاژ شدن روی میز است. روزی ۱۸ ساعت کار - از درگیری‌های بوروکراتیک گرفته تا کار یدی، فکری، و خلاق. در استودیوهای صدا و لابراتوارها با کمبود مواد اولیه دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شیفت‌های کار را اضافه می‌کنند. همه این ترافیک امسال با قطع برق بین ۶ و

جشنواره

نازنین مقخم

گاه تا ۱۲ ساعت در روز، مجموعه کمدی تراژیک خلق مضحک و شتابزده یک اثر هنری را، با نرخ و نگرانی مانند سالهای پیش تکرار می‌کند. با این تفاوت که آن دسته از سینما-روهایی که سینمای اصیل و ناب را سینمای صامت می‌دانستند امیدوار شده‌اند که به آمالشان نزدیک شوند، زیرا اگر لابراتوارها هم بتوانند به کمک زینتورهای برق پیوسته به کارشان ادامه بدهند استودیوهای مونتاژ و صدا را فرجی نیست. البته این حکایت آنهاست که هنوز موفق به انتقال میزهای تدوین دولتی به منازل شخصی یا محل فیلمبرداری‌شان نشده‌اند.

این دور تسلسل را از یک نقطه دنبال می‌کنیم، آنها که فیلمشان در جشنواره به نمایش درآمد می‌توانند به سراغ شروع کار بعدی‌شان برای سال بعد بروند. اگر پیش از شروع جنب‌وجوش جشنواره موفق به تصویب طرح‌هایشان شده باشند مقدمات کار اجازه فیلمبرداری و جمع‌آوری گروه و وسیله و انواع کارهای بوروکراتیک و مراجعه به ادارات را از اوایل اردیبهشت ماه شروع کنند. اگر هیچ

مشکلی در کار نباشد این دوندگی‌ها تا اواسط تابستان به پایان می‌رسند و اگر فصل خاصی برای فیلم در نظر نباشد در شهریورماه کار فیلمبرداری را باید آغاز کرد.

اما نه به این آسانی. وسایل را باید کرایه کرد. عده زیادی همزمان به دنبال کرایه وسایل میان‌بنیاد فارابی و مراکز خصوصی مشغول رفت‌وآمد و چانه زدن بر سر قیمت هستند و گروهی دیگر برای گرفتن نگاتیو مناسب با نوع کارشان از یک سو یا مراکز دولتی بر سر سهمیه چانه می‌زنند و از سوی دیگر فروشندهگان قاچاق را جستجو می‌کنند.

ناگهان یک نفر در گروه پیدا می‌شود که عواقب تاخیر و نرسیدن به جشنواره را از تحریکات سابقش بیرون می‌کشد و برای دیگران تعریف می‌کند. پس چه باید کرد؟ کاری ندارد با تغییرات مختصری در سناریو و دکوپاژ مقدار زیادی از مسائل را حل می‌کنیم. صحنه‌های شب را به روز تبدیل می‌کنیم که مسئله نگاتیو یا حساسیت بالا کم شود و از لنز بازی که قرار بود در صحنه‌های مختلف از آن استفاده کنیم صرف نظر می‌کنیم. آن جروب‌حشی را هم که قرار بود در راهروهای دادگستری فیلمبرداری کنیم حذف می‌کنیم چون ما از تلویزیون نبودیم نتوانستیم اجازه فیلمبرداری بگیریم. و بسیاری تغییرات دیگر غیر از اصلاحی‌های طرح و سناریو فیلم قبل از شروع فیلمبرداری. عاقبت فیلمبرداری در میانه شهریورماه آغاز می‌شود و اگر همسج مشکلی برنامه‌ها را برهم زند لوکیشن (محل فیلمبرداری) به موقع در اختیار قرار بگیرد، کسی بیچاره نشود و اتفاق غیرمترقبه‌ای نیفتد یا تهیه‌کننده انواع شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که به فیلم کمک مادی یا معنوی می‌کنند تصمیم نگیرند تغییراتی در فیلم صورت دهند تا آخر آبان یا اواسط آذرماه - بسته به سوزه - فیلمبرداری به پایان رسیده است.

از اینجا به بعد کمتر از فیلمبرداری امکان برنامه‌ریزی هست. باید دوباره رفت و بر سر مواد اولیه و امکانات و سهمیه چانه زد. در سالی که گذشت فیلمسازان از سه ماه تا شش ماه منتظر مواد اولیه برای چاپ نسخه اول فیلمشان بودند تا بتوانند به تدوین فیلم بپردازند.

البته این قابل فهم است که وضعیت خاص جنگی، موشک‌باران و از این قبیل مسائل امسال بیش از پیش کارها را عقب انداخت و ولی انتظار می‌رود به همین اندازه، موضوع ازسوی مسئولان هم مورد توجه قرار بگیرد و مقررات درجه‌بندی و نوبت اکران را از دوش جشنواره بردارند. جشنواره‌ای که تنها واقعه مهم سینمایی کشور ماست با درگیر شدن در

مسائل نمایش عمومی و نوبت دادن و نوبت گرفتن برای اکران نه تنها اعتباری کسب نمی‌کند بلکه بیهوده در اذهان سینماگران و منتقدین به اجباری بدل می‌شود که در تضاد با هدفهای آن است.

برای اینکه تنها به قاضی نرفته باشیم نظر چندتن از فیلمسازان و دست‌اندرکاران سینما را که در دسترس بودند گرد آوریم: - رخشان بنی‌اعتقاد کارگردان "زرد قناری" با اشاره به بمباران‌های سال گذشته که فصل کار فیلمبرداری را عقب انداخت می‌گوید فشار کار کیفیت فیلم را پایین می‌آورد. به نظر او اینکه جشنواره سبب می‌شود تا فیلم اکران مناسب‌تری بیابد خود فشاری برای شرکت در جشنواره به حساب می‌آید. وی می‌افزاید مطمئناً "تهیه‌کننده ترجیح می‌دهد فیلم در شرایط بهتری به نمایش گذاشته شود و حتی مصوبه جدید هم مسئله اساسی را حل نمی‌کند چون اکران شدن در تهران برای بسیاری از فیلمها اهمیت خاصی دارد که هنوز منوط به شرکت در جشنواره است. به نظر خانم بنی‌اعتقاد علت دیگری هم موجب شتابزدگی برای رساندن فیلم به جشنواره می‌شود و آن این است که این تنها کانال ارزیابی فیلمها در کشور ماست و گاه اگر فیلم یکسال بخواهد تا زگی موضوع آن ازدست می‌رود برای نمونه موضوعات روز.

- "مدرسه‌ای که می‌رقیم" نام فیلمی از داریوش مهرجویی است که در سال شصت به پایان رسیده ولی امسال به جشنواره می‌رود. از این‌درو مهرجویی امسال فیلمی را به جشنواره نمی‌رساند که با شتابزدگی روبرو باشد اما درباره سال گذشته می‌گوید: در روزهای آخر با فشردگی کار روبرو بوده‌ام و مجبور شده‌ام برای دریافت پروانه نمایش و اکران مشکلات را تحمل کنم و تردید ندارم که این شلوغی در نتیجه کارم بی‌تاثیر نبوده است. مهرجویی در مورد این نکته که چنین مقرراتی امسال وجود ندارد می‌گوید ما عادت کرده‌ایم براساس حدس و شایعه برنامه‌ریزی کنیم و هیچ مرجعی نیست که قوانین را مشخصاً اعلام کند، شاید هم این بحران وسایل ارتباط جمعی است که نمی‌تواند ما را درست در جریان مطالب قرار دهند.

- سیامک شائقی سازنده "ستاره و الماس" که در اواخر دیماه مراحل فنی قبل از لابراتوار را پشت سر می‌گذارد از جمله فیلمسازانی است که نمود مواد اولیه در سال گذشته گریبانگیرش شده و سه ماه منتظر پزیتو مانده تا بتوانند کار تدوین فیلم را آغاز کنند. او علت تعجیلش را برای رفتن به جشنواره جلوگیری از مضرر شدن تهیه‌کننده می‌داند و می‌گوید: با اینکه



از اسامال طبق مقررات در اردیبهشت ماه هم می توان برای اکران فیلم در اداره نظارت بر نمایش اقدام کرد ولی فیلم اگر به جشنواره نرود ابتدا در شهرستان به نمایش گذاشته می شود و نوبت اکران آن هم عقب می افتد بنابراین رفتن به جشنواره به نفع فیلم است.

— ابوالحسن داوودی کارگردان "سفر عشق" که فیلمش مرحله لایراتوار را در اواخر دی طی می کند.

می گوید فرقی نمی کند که جشنواره چه وقت برگزار شود. ما اسامال با برنامه ریزی آشنایی نداریم و عادت داریم کار را در آخرین لحظه با تعجیل انجام دهیم. چون در تلویزیون تهیه شده از لایراتوار تلویزیون استفاده کرده و با مشکل ازدحام لایراتوار و بخش مهمی از کمبود مواد اولیه برخوردی نداشته غیر از توار صدای اپتیک که امیدوار بود به او تعلق بگیرد تا صدای فیلم هم تکمیل شود. او می گوید من گرفتار نشدم چون در تلویزیون مشکل تهیه کننده و سرمایه خصوصی درکار نیست، اما دوستانم را می بینم که زندگی شان را فروخته اند تا فیلم بسازند. من کسی را می شناسم که خانه اش را گرو گذاشته و با وام بانکی فیلم ساخته است. به او نمی توانیم ایراد بگیریم. او برای جلوگیری از انهدام خود تعجیل می کند.

— جعفری جواری کارگردان در "مسیر تندباد" که فیلمش را برای تهیه کننده خصوصی می سازد اعتقاد دارد که ما نه تنها در سینما، در همه زمینه ها عادت کرده ایم کارها را برای لحظه آخر بگذاریم، اما به هر حال این تعجیل را از سوی فیلمسازان محکوم نمی کنم. آنها برای جلوگیری از ضرر مادی مجبورند عجله کنند و برنامه ریزی هم ممکن نیست، زیرا مسائل دیگر

از قبیل کمبود مواد اولیه هم در کار است. من هم چون می خواهم در این صنف بمانم نباید بگذارم تهیه کننده متحمل ضرر مادی بشود و پولش بخوابد.

— محمدعلی سجادی در آذرماه سال گذشته فیلمبرداری "چون باد" را آغاز کرد و مرداد اسامال آن را به پایان برد و هنوز در اواخر دی ماه نسخه نهایی فیلمش آماده نیست. وی جشنواره را یک اتفاق مثبت سینمایی می داند، به شرط آنکه فیلمسازان از امنیت صنفی و سانسور در امان باشند. او می گوید جو جشنواره جو خاصی است، اگر سوءتفاهمی پیش بیاید و رفع نشود، ممکن است برای پروانه فیلم مسئله ساز بشود. سجادی ادعا می کند تا آنجا که توانسته تلاش کرده تعجیل به کارش لطمه نرزد و می گوید به دو علت دوست دارد در جشنواره شرکت کند؛ اول ضوابطی که برای درجه بندی فیلم در نظر می گیرند و دیگر تبلیغات جشنواره فجر که توجه مردم را به سینما جلب می کند و این وجه مثبت جشنواره است.

— بزرگنیا کارگردان "کشتی آنجلیکا" که فیلمش در روزهای آخر دی ماه مراحل لایراتوار را می گذراند می گوید از نظر زمانی تحت فشار نبوده است. او به هنگام برگزاری جشنواره سال گذشته مشغول فیلمبرداری بوده و به گفته خودش از فروردین تا آذرماه برای دست یافتن به پزیتو انتظار کشیده است تا تدوین را شروع کند. بزرگنیا معتقد است که جشنواره درحکم نوعی بررسی سالانه تولیدات سینمایی است و نه قضاوت. او می گوید "خودمان می سازیم خودمان تایید می کنیم و خودمان رد می کنیم و کسی از کشورهای دیگر نمی آید تا قضاوتی درباره کار ما بکند."

— کامبوزیا پرتوی کارگردان "ماهی" و "گلنار" می گوید فکر می کنم اکران در گرو شرکت در جشنواره است. در این صورت عجله ای نمی کردم و مسلماً کیفیت بهتری به دست می آمد.

— بهروز غریب پیور کارگردان فیلم "کارآگاه ۲" که امیدوار است مشکل کمبود مواد اولیه و شلوغی لایراتوار مانع از رسیدن فیلمش به جشنواره نشود معتقد است این جشنواره به مثابه موتور حرکت سینما در جامعه ای است که در آن مدیریت سینما وجود ندارد و می گوید اگر این جشنواره و محدودیت زمانی برای آن نبود تعداد فیلمهایی که در هر سال ساخته می شد خیلی کمتر از این می بود. اضافه می کند در جایی که فصل سینمایی خاص و جشنواره های دیگر وجود ندارند برگزار کردن جشنواره فجر قدم مثبتی در سینمای ماست و اینکه کارگردانی نخواهد به جشنواره برود باورکردنی نیست.

— معصومی کارگردان فیلم "دوران سربی" که در هفته آخر دی ماه آخرین مراحل صداگذاری و مونتاژ را پشت سر می گذاشت هم مانند بسیاری از همکارانش باور نمی کند کارگردانی باشد که نخواهد فیلمش در جشنواره شرکت کند و می گوید ضمن اینکه به خاطر قرار گرفتن در نوبت اکران در جشنواره شرکت می کند اسامال شرکت و مورد قضاوت قرار گرفتن در جشنواره نیز برای او اهمیت زیادی دارد. او اضافه می کند با اینهمه چاره ای جز تعیین نوبت اکران در یکجایی که حالا جشنواره است نداریم تا در طول سال همه به نمایش عمومی برسند.

— طالبی کارگردان و تهیه کننده برهوت که ساختن فیلمش سه سال به درازا کشیده در حالی که در هفته های آخر دی ماه مراحل نهایی مونتاژ و صدای فیلمش را پشت سر می گذارد می گوید شرکت در این ترافیک پرازدحام و بردن میزهای تدوین به محل فیلمبرداری و فشرده کار کردن برای رساندن فیلم درست نیست چون از نظر کیفی به فیلم لطمه می زند. اما از آنجا که رفتن به جشنواره در نوبت اکران و سرنوشت اقتصادی فیلم تاثیر دارد همه در آن شرکت می کنند. او در جواب این نکته که آیا اصرار دارد در بخش مسابقه شرکت کند یا نه تاکید می کند که می خواهد در مسابقه شرکت کند نه برای جایزه بلکه به این خاطر که تجربه نشان داده که فیلمهای بخش مسابقه نوع دیگری ارزشگذاری می شود و در گروه های کیفی بهتری قرار می گیرند که در شیوه اکران شدن آنها تعیین کننده است.

— ابراهیمی فر کارگردان "نارونی" که خود در سرمایه گذاری برای تهیه فیلمش مشارکت دارد می گوید چاره ای جز تعجیل برای رسیدن



به جشنواره نیست و این تازه گوشه‌ای از مشکلات است. او می‌گوید این شتاب که از شروع فیلمبرداری در هفته دوم شهریورماه برای من قابل لمس بود در حاصل کار تاثیر می‌گذارد. با اینهمه او به محک خوردن فیلمش در جشنواره علاقمند است.

— جعفر والی کارگردان "تا غروب" که اولین بار است به عنوان کارگردان در سینما ظاهر می‌شود معتقد است شتاب برای رسیدن به جشنواره در همه مراحل به فیلم لطمه می‌زند زیرا امکانات فیلمسازی محدود است و در زمان محدود نمی‌توان به بهترین شکل از آنها استفاده کرد. برای نشان دادن لطمه‌ای که به کیفیت فیلم می‌خورد او به گروهی اشاره می‌کند که مجبورند برای رسیدن به جشنواره صداگذاری موقت بکنند تا سر فرصت برای فیلم باند صدای مناسبی تهیه کنند. والی شرکت در جشنواره را اجباری می‌داند چون نوبت اکران و ارزشگذاری (درجه‌بندی فیلم در گرو آن است. او تاکید می‌کند که می‌داند اجازه اکران را اداره نظارت بر نمایش تعیین می‌کند ولی درجه‌بندی فیلمها به نظر فآرایی هم بستگی دارد. برای نمونه به فیلم "یاد و دیدار" اشاره می‌کند که تا در جشنواره شرکت نکرد درجه‌بندی نشده بود و به اکران راه نیافت.

— عسگری نسب کارگردان فیلم "هی حو" می‌گوید من تعجیلی برای رسیدن به جشنواره ندارم و چون حرفه‌ای نیستم درباره مشکلاتی که شما به آن اشاره می‌کنید چیزی نمی‌دانم. — ابوالفضل جلیلی کارگردان "گال" که سال گذشته در برنامه نمایش جشنواره فجر قرار داشت مشکلات فشرده‌گی کار قبیل از جشنواره را مشکل اساسی نمی‌داند و معتقد است که نباید از این توجیهی ساخت برای

شرکت می‌کند می‌گوید برای رسیدن به جشنواره زیر فشار بوده چون فیلمبرداری را زود شروع کرده است و در هفته آخر دی‌ماه منتظر دیدن نسخه اصلاح شده فیلم است. ترجیح می‌دهد فیلمش برای بخش مسابقه پذیرفته شود. به همین علت از مسئولان مهلت خواسته بود تا بتواند نسخه نهایی را برای ارزشیابی بهتر به آنها ارائه کند اما به علت شلوغی لابراتوار در روزهای آخر موفق به این کار نشده و مجبور است نسخه ناقص را که اصلاح رنگ در آن صورت نگرفته به جشنواره بیاورد.

آقای آندره سرپرست لابراتوار بدیع که یکی از دو لابراتوار بخش خصوصی است توضیح می‌دهد که غیر از مسئله نبودن بریتسو که کار فیلمسازان را عقب انداخت هم اکنون کمیون دیگری مواد خام بر مسئله ازدحام در لابراتوار اضافه شده. و لابراتوار مجبور است مخارجی از قبیل اضافه‌کار متخصصین فنی و مخارج سفره و شیفت‌های اضافی را متحمل شود بدون آنکه انتظار داشته باشد صاحب فیلم در آنها شرکت کند. او می‌گوید وقتی قرار است کارگری کاری را به طور معمول در چهار روز انجام دهد و ما بخواهیم در یک‌روز انجام دهد نباید انتظار کیفیت خوبی را داشته باشیم. مسئول یکی از دو استودیوی صداگذاری که اتفاقاً پیش از جشنواره و همزمان با ازدحام کار با فرودگی و خرابی ناگهانی دستگاهها روبرو شدند می‌گوید حتی اگر مشکل و مسئله قطع برق هم پیش نیامده بود ما باز هم موفق به ارائه کار و پاسخگویی همه مراجعده‌کنندگان با کیفیتی که در توانمان هست نمی‌بودیم.

فیلمهای بد یا ضعیف. او می‌گوید آنها که برای رساندن فیلم به جشنواره به آن لطمه می‌زنند به خودشان بیشتر از فیلم اهمیت می‌دهند. جلیلی با تهیه‌کننده خصوصی فیلم ساخته و فیلم او دوسال پیش حاضر بوده و غیرقابل بخش اعلام شده بود و توقیف بود و امسال هم به صورت مشروط و با کمک کیارستمی و آقای بهشتی در جشنواره به نمایش درمی‌آید. او می‌گوید دوسال پیش خیلی دلم می‌خواست این فیلم به جشنواره برود اما حالا دیگر آن شور و شوق را ندارم برای من تماشاچی مهم است. در هر حال من صاحب فیلم نیستم. فیلم متعلق به تلویزیون است و تصمیم گیرنده. — فرخ انصاری کارگردان "لحظه‌های اضطراب" که برای دومین بار در جشنواره فجر

